



نشریه داخلی تهران شانزدهم تیر ۱۳۸۸ خورشیدی شماره ۱۷۵

استقرار حاکمیت ملی

هدف جبهه ملی ایران است



بنام خداوند جاز و خرد

ملت ایران خواستار تغییر و تحول است

در سال ۱۳۵۷ زمانیکه انقلاب ضد استبدادی ملت ما پس از ماهها افت و خیز به پیروزی نهایی رسید جمعیت ایران در حدود سی میلیون نفر اعلام می شد و امروز که سی سال از آن زمان سپری گردیده ما به جمعیت بیش از هفتاد میلیون نفر رسیده ایم این قیاس آشکارا نشان می دهد که این چهل میلیون افزایش جمعیتی که پیدا کرده ایم در شرایط سنی کمتر از ۳۰ سال قرار دارند و اگر در نظر بگیریم که ما در بین سی میلیون جمعیت زمان انقلاب حدود ۱۰ میلیون نفر کودک خردسال و طفل دبستانی داشته ایم که آنها اکنون در شرایط سنی بین ۳۰ تا ۴۰ سالگی قرار دارند به این نتیجه روشن می رسیم که در حال حاضر ما با حدود ۵۰ میلیون نفر جمعیت کمتر از چهل سال رو برو هستیم که نه در انقلاب شرکت کرده اند و نه در ایجاد ساختار سیاسی اجتماعی کاملاً سنتی نشأت گرفته از مدیریت سیاسی بعد از انقلاب دخالتی داشته اند و اکنون این خیل عظیم جوانان که حدود هفتاد درصد جمعیت این مملکت را تشکیل می دهند از خود می پرسند که اگر هم بالفرض پدران و مادران ما چنین می خواستند آیا ما هم ناگزیریم به همان سیاق زندگی کنیم؟ امروز این گروه بزرگ از جامعه ایران در عصر ارتباطات و در زمان انتشار انفجارگونه اطلاعات و در دورانی که از جهان بعنوان دهکده جهانی یاد می شود بخوبی از جوامع بشری و زندگی جوانان در کشورهای مختلف آگاه است و می خواهد که از حقوق مدنی و آزادیهای اجتماعی و سیاسی شبیه سایر ملل برخوردار باشد آنها به حق امکانات آموزشی، شغل آبرومندانه، مسکن قابل قبول و امکانات زندگی معقول را می خواهند. ذهن خلاق و جسم پرانرژی آنان خواهان تحول و تغییر و رفورم در جهت بهبود است و صد البته مدرنیته قرن بیست و یکم را به سنت گرایی قرون گذشته ارجح می دانند و می خواهند مانند سایر ساکنین این دهکده جهانی و همدوش با آنان زندگی نمایند. اگر با توجه به این شرایط جامعه شناختی ایران و ترکیب جمعیتی آن با رویداد انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری برخورد نماییم می بینیم که حاکمیت بدون توجه به نیازهای سیاسی اجتماعی جامعه به روال همیشگی و سی ساله خود تمام پیش شرطهای ضروری برای انجام یک انتخابات آزاد را نادیده انگاشته و آزادی مطبوعات، آزادی احزاب و اجتماعات و حق کاندید شدن برای مخالفان و دگراندیشان و سایر حقوق شهروندی را به زیر پا نهاده است و از بین تعداد زیادی از داوطلبان حضور در عرصه انتخابات، چهار نفر از طرف شورای نگهبان انتصابی برای کاندیداتوری ذیصلاح شناخته شده و مورد تایید قرار گرفته و به مردم معرفی شده اند این مردم صبور و فهیم به امید آنکه بتوانند در شرایط نا به سامان حاکم به جامعه خود تحولی ایجاد کنند از همین کمترین امکانات موجود استفاده نموده

و برای حمایت از دو کاندیدایی که شعارها و برنامه های اصلاح طلبانه ارائه می کردند و مواضع آنها با خواسته های مردم و منافع ملی آنها نزدیک تر بود بسیج شده و به صحنه انتخابات آمدند. شور و شوق زنان و مردان اکثراً جوان این سرزمین در حمایت از کاندیداهای اصلاح طلب در روزهای قبل از انتخابات به عنوان یک واقعیت عینی و آشکار تاریخی بر هیچکس پوشیده نیست. در روز انتخابات روز ۲۲ خرداد همین توده های عظیم ملت در پای صندوق های رای حضور یافته و به گفته مقامات حکومتی حدود چهل میلیون نفر رای خود را به صندوق ها ریختند. سؤال این است که آیا شرکت گسترده مردم برای حمایت از دولت حاضر و برای تداوم ریاست جمهوری ایشان بوده است؟ یا این جنبش ملی برای تغییر دادن و کنار زدن دولتی که با شعارهای تنش آفرین کشور را در آستانه خطرات عظیم و نابوده کننده قرار داده و با سوء مدیریت ملت را در سخت ترین شرایط زندگی قرار داده بوده است؟ مسلماً پاسخ این است که این حضور گسترده مردم جز برای تغییر و ایجاد نظم جدید سیاسی - اقتصادی و اجتماعی نمی تواند صورت گرفته باشد ولی شگفتا که چند ساعت پس از پایان زمان انتخابات نتیجه آن به گونه ای اعلام شد که بازتابی جز بهت و حیرت و احساس گول خوردگی و به بازی گرفته شدن برای شرکت کنندگان در انتخابات در پی نداشت مردم احساس کردند که از حضورشان در انتخابات و آرای که به صندوق ها ریخته اند سوء استفاده شده است. به همین جهت پس از اعلام نتیجه انتخابات میلیون ها نفر از مردم در سرتاسر کشور بعنوان اعتراض به این نتیجه و برای پشتیبانی از کاندیداهای اصلاح طلب که نتیجه انتخابات را متقلبانه می دانستند به خیابان آمده و نتیجه انتخابات را زیر سؤال بردند و آن را غیر قابل قبول توصیف کردند. حاکمیت جمهوری اسلامی در برخورد با این معترضین که آرام و متمدنانه به خیابانها آمده بودند سیاست اعمال خشونت و سرکوب را در پیش گرفت که در نتیجه دهها نفر از مردم شهید و صدها نفر مجروح و هزاران نفر دستگیر و زندانی شدند و جوی پر تنش و اضطراب آلود بر جامعه ایران سایه افکند. محققاً رهبری این اعتراضات مردمی با جریان اصلاح طلبی درون حاکمیت و کاندیداهای اصلاح طلب بوده و هست. و اگر آنان در پی خواسته های مردم و در پیشاپیش صفوف آنها حرکت نکنند مسلماً خواسته های مردم رادیکال تر شده و از آنان نیز عبور خواهند کرد و نیز بر حاکمیت است که این تحول خواهی نسل جوان ایران یعنی اکثریت غالب این ملت را عمیقاً درک کند و به خواسته های سیاسی اجتماعی منطقی آنان تمکین نماید که در غیر این صورت بیم آن می رود که آینده ای مبهم و خطیر در کمین این کهن مرز و بوم قرار داشته باشد.